

نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارشوق

۲

مذاکره به سبک عراقچی وعده صلح، نتیجه جنگ!

✎ خوش بینی به طرفی که سابقه خروج از توافق، اعمال تحریم و اقدام نظامی در میانه روند دیپلماتیک را دارد، از انتقادات نمایندگان است

✎ با امضای ۳۵ نماینده مجلس شورای اسلامی، درخواست استیضاح عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در مجلس به جریان افتاد

✎ یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد از رویکرد عباس عراقچی، فاصله میان هشدارهای صریح رهبر شهید انقلاب درباره ماهیت سیاست آمریکا و ارزیابی امیدوارانه وزیر خارجه از امکان دستیابی به توافق با واشنگتن است؛ فاصله‌ای که پس از حمله نظامی در میانه مذاکرات، بیش از گذشته در معرض پرسش و ارزیابی قرار گرفته است

۳

تربون اقتدار ایران

وقتی مواضع قاطع سرلشگر رضایی، خواب خوش نفتی آمریکا را آشفته می‌کند



✎ در روزگاری که برخی جریان‌های سیاسی خصوصاً تیم دولت پزشکیان، نسخه نجات اقتصاد کشور را در رضایت واشینگتن و باز نگه داشتن در مذاکره با آمریکایی می‌دانند که بارها بدعهدی خود را ثابت کرده است، ایستادگی صریح در برابر زیاده‌خواهی‌های کاخ سفید، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. مواضع محکم سرلشگر محسن رضایی در برابر آمریکا، از همین منظر شایسته توجه و تقدیر است؛ موضعی که به جای ارسال پیام تردید و عقب‌نشینی، بر قدرت ایران، حقوق ملت و هزینه‌دار بودن ماجراجویی‌های دشمن تأکید می‌کند.

۳

«نادرقلی ابراهیمی»، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارشوق:

باتورم این چند ماه کالا برگ باید ۴ تا ۵ میلیون شود

- ✎ دولت، آرایش جنگی مناسب برای جنگ اقتصادی ندارد
- ✎ فقط ۲۰ تا ۲۵ درصد گرانی‌ها به خاطر جنگ است
- ✎ سیاست اقتصادی دولت پزشکیان لیبرالی است
- ✎ مجلس دیگر در برابر اقدامات تیم اقتصادی دولت سکوت نمی‌کند
- ✎ تیم و برنامه اقتصادی دولت پزشکیان باید تغییر کند
- ✎ برخی مسئولان فقط به دنبال منافع یک قشر رانت‌خوار ۳ تا ۳ هزار نفری هستند
- ✎ در دولت پزشکیان ۱۰۰ جای دیش رخ داده اما برخوردی نمی‌شود
- ✎ سیستم حکمرانی اقتصادی دولت معلول است
- ✎ برخی مسئولان در نقش پیاده نظام جنگ اقتصادی ترامپ ظاهر می‌شوند
- ✎ افزایش نرخ ارز در راستای خواست ترامپ است
- ✎ همتی باید درباره ارزیابی ۲ میلیارد دلاری در بازار توضیح شفاف بدهد
- ✎ نفت ۵۴ دلاری پیش‌بینی شده در بودجه را بالای ۱۰۰ دلاری می‌فروشیم
- ✎ وضعیت صادرات نفتی و غیرنفتی کشور عالی است
- ✎ ۱۰۰ درصد درآمد نفتی پیش‌بینی شده
- ✎ دولت در ۱۴۰۵ محقق شده است
- ✎ ارز صادراتی را باروش‌های نوین به کشور بازمی‌گردانیم



مذاکره به سبک عراقچی؛ وعده صلح نتیجه جنگ!

■ با امضای ۳۵ نماینده مجلس شـورای اسلامی، درخواست استیضاح عباس عراقچی، وزیر امور خارجه در مجلس به جریان افتاد

■ خوش بینی به طرفی که سابقه خروج از توافق، اعمال تحریم و اقدام نظامی در میانه روند دیپلماتیک را دارد، از انتقادات نمایندگان است

گزارش

درخواست استیضاح عباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم، با امضای ۳۵ نماینده مجلس، بار دیگر کارنامه دستگاه دیپلماسی را در کانون توجه قرار داده است؛ درخواستی که تنها به یک دیدار جنجالی با نماینده دولت آمریکا محدود نمی شود و طیفی از انتقادات درباره شیوه مذاکرات، رعایت خطوط قرمز، تحلیل تحولات بین‌المللی، دیپلماسی اقتصادی، انتخاب سفرا و استفاده از ظرفیت کشورهای

همسایه را در برمی گیرد. انتشار اسامی ۳۵ امضاکننده درخواست استیضاح نشان می دهد انتقاد از عملکرد وزیر خارجه به یک اعتراض فردی محدود نمانده و شماری از نمایندگان خواستار پاسخگویی او درباره مجموعه‌ای از تصمیمات و رویکردهای وزارت امور خارجه هستند. مطابق گزارش منتشرشده، این نمایندگان ۱۷ محور انتقادی را در حوزه‌های سیاسی، دیپلماتیک، هسته‌ای و اقتصادی مطرح کرده‌اند. بااین حال، ثبت درخواست استیضاح به معنای ارجاع قطعی آن به هیأت‌رئیسه یا قرار گرفتن در دستور کار صحن علنی نیست و این مراحل باید از یکدیگر تفکیک شوند.

دیپلماسی در مدار آمریکا؛ چرا همه راه‌ها باید به واشنگتن ختم شود؟

یکی از مهم‌ترین انتقادات مطرح شده علیه عراقچی، آن چیزی است که امضاکنندگان استیضاح، تقلیل سیاست خارجی به مذاکره با آمریکا و غفلت از ظرفیت‌های گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی می دانند. بر اساس متن منتشرشده از محورهای استیضاح، منتقدان معتقدند وزارت امور خارجه به جای پیگیری هم‌زمان و متوازن روابط با کشورهای همسایه، قدرت‌های منطقه‌ای و شرکای اقتصادی ایران، بیش از اندازه بر مذاکره با واشنگتن متمرکز شده است؛ رویکردی که به اعتقاد آنان نه تنها ابتکار عمل دیپلماتیک را افزایش نداده، بلکه زمینه بهره‌برداری طرف آمریکایی از فضای مذاکره را نیز فراهم کرده است. پرسش اصلی این است که اگر قرار است سیاست خارجی در خدمت منافع ملی و کاهش فشارهای اقتصادی باشد، چرا باید حل مسائل کشور تا این اندازه به اراده و تصمیم دولت آمریکا گره بخورد؟ آیا وزارت خارجه توانسته است از ظرفیت همسایگان، سازمان‌های منطقه‌ای، توافق‌های دوجانبه و همکاری با اقتصادهای غیرغربی برای کاهش آسیب‌پذیری ایران استفاده کند؟ این انتقاد زمانی اهمیت بیشتری پیدا می کند که میان مذاکره و نتیجه ملموس آن برای کشور تفاوت قائل شویم. انجام گفت‌وگو به‌خودی‌خود دستاورد محسوب نمی‌شود؛ معیار ارزیابی، میزان تأمین منافع ملی، رفع موانع تجارت خارجی، گسترش همکاری‌های اقتصادی و جلوگیری از تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته است.

دیدار با ویتکاف؛ پرسش‌هایی که هنوز پاسخ روشن می‌خواهند

دیدار و تماس عباس عراقچی با استیو ویتکاف، نماینده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا، در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک، به یکی از مهم‌ترین محورهای انتقاد نمایندگان تبدیل شد.

امیرحسین ثابتی، نماینده تهران، اعلام کرد که به دنبال این اتفاق، درخواست استیضاح وزیر خارجه را در سامانه مجلس ثبت کرده است. در متن این درخواست، نقدهایی درباره انجام اقدامات بدون مجوز و هماهنگی لازم، عبور از خطوط قرمز و آسیب به منافع ملی مطرح شده است. ابراهیم رضایی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، نیز خواستار توضیح عراقچی درباره مبنا و مجوز این دیدار شد. حسینعلی حاجی‌دلیگانی هم اعلام کرد مجلس می‌تواند از ابزارهای نظارتی خود، از جمله استیضاح، استفاده کند.

منتقدان این دیدار می‌پرسند وقتی شروط ایران پیش‌تر از طریق میانجی‌ها منتقل شده بود، ضرورت برقراری تماس مستقیم چه بوده و این اقدام چه دستاورد تازه‌ای برای کشور داشته است؟ همچنین، در شرایطی که آمریکا سیاست فشار علیه ایران را دنبال می‌کند، دستگاه دیپلماسی باید توضیح دهد چگونه میان ضرورت انتقال پیام و شروط کشور از یک‌سو و جلوگیری از ارسال پیام ضعف از سوی دیگر توازن برقرار کرده است.

خطوط قرمز در مذاکرات؛ مطالبه مستندات به جای کلی گویی

در متن درخواست استیضاح، اعلام شده است که در برخی مذاکرات، خطوط قرمز نظام رعایت نشده و منافع ملی آسیب دیده است. امضاکنندگان اعلام کرده‌اند که برای این ادعاها مواردی دارند که قرار است در فرایند بررسی استیضاح ارائه شود. این محور از مهم‌ترین بخش‌های پرونده عراقچی است؛ زیرا در سیاست خارجی، صرف اعلام پایبندی به خطوط قرمز کافی نیست. باید روشن باشد چه تعهداتی مطرح شده، چه امتیازاتی مورد بحث قرار گرفته، چه تصمیم‌هایی مطالبه شده و نتیجه عملی مذاکرات چه بوده است.

اگر منتقدان مستنداتی درباره عبور از خطوط قرمز دارند، ارائه آنها در کمیسیون تخصصی و بررسی دقیقشان می‌تواند به روشن شدن ابعاد اختلاف کمک کند. در مقابل، وزارت خارجه نیز باید با انتشار توضیحات قابل ارزیابی، نشان دهد که تصمیمات و گفت‌وگوهایش در چه چارچوبی انجام شده و چه منافع برای کشور تأمین کرده است.

در چنین پرونده‌ای، نه اتهام کلی جای سند را می‌گیرد و نه پاسخ کلی می‌تواند جایگزین گزارش روشن از عملکرد شود.

خطای محاسباتی و تحلیل تحولات؛ مسئولیت دستگاه دیپلماسی چیست؟

یکی دیگر از محورهای اعلام‌شده در درخواست استیضاح، انتقاد از تحلیل‌ها و مواضع سیاسی عراقچی و نسبت دادن برخی خطاهای محاسباتی به عملکرد دستگاه دیپلماسی است. در متن منتشرشده، امضاکنندگان انتقاداتی درباره ارتباط برخی مواضع و محاسبات با غافلگیری در جنگ‌های اخیر مطرح کرده‌اند.

با این حال، اصل مطالبه درباره کیفیت تحلیل‌های راهبردی وزارت خارجه قابل بررسی است: آیا ارزیابی‌های این وزارتخانه از رفتار آمریکا و متحدهاش با واقعیت‌های میدانی تطابق داشته است؟ آیا هشدارهای لازم به‌موقع ارائه شده؟ آیا سیاست خارجی توانسته است میان مذاکره، بازدارندگی و

حفظ ابتکار عمل کشور هماهنگی برقرار کند؟

دیپلماسی اقتصادی؛ حلقه مفقوده کارنامه عراقچی

انتقاد از ضعف دیپلماسی اقتصادی یکی از محوری‌ترین بخش‌های درخواست استیضاح است. امضاکنندگان معتقدند وزارت خارجه در دوره عراقچی نتوانسته است از ظرفیت سیاست خارجی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و اجرای تفاهم‌نامه‌ها به خوبی استفاده کند. این انتقاد صرفاً در متن درخواست استیضاح مطرح نشده است. ۱۷ مهر ۱۴۰۵ علیرضا عباسی، نماینده مجلس، از طرح سؤال ملی درباره اجرای تکالیف دستگاه‌ها در حوزه دیپلماسی اقتصادی، از جمله مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ قانون برنامه هفتم پیشرفت، خبر داد. این موضوع نشان می‌دهد عملکرد وزارت خارجه در اجرای تکالیف قانونی دیپلماسی اقتصادی نیز به عرصه نظارت پارلمانی وارد شده است. وزارت امور خارجه باید مشخص کند در دوره مسئولیت عراقچی چه میزان از تفاهم‌نامه‌های اقتصادی به قراردادهای اجرایی تبدیل شده‌اند، چه موانعی از مسیر صادرات و تجارت خارجی برداشته شده و سفارتخانه‌ها تا چه اندازه در جذب سرمایه‌گذاری و توسعه بازاریهای صادراتی نقش داشته‌اند.

همچنین باید روشن شود که آیا برای کشورهای همسایه و بازارهای منطقه‌ای برنامه عملیاتی و قابل سنجشی وجود دارد یا خیر. ارائه فهرست دیدارها و توافقات دیپلماتیک، بدون بیان میزان تحقق تعهدات و منافع اقتصادی حاصل شده، برای ارزیابی کارنامه وزارت خارجه کافی نیست.

اظهارات وزیر و بازار نفت

در میان محورهای استیضاح، انتقاد از مصاحبه‌ها و مواضع عراقچی و ادعای تأثیر آنها بر کاهش قیمت جهانی نفت نیز مطرح شده‌است. حسینعلی حاجی‌دلیگانی پیش‌تر از وزیر خارجه خواسته بود درباره تأثیر اظهاراتش بر بازار نفت توضیح دهد. این موضوع از نظر اقتصادی اهمیت دارد؛ زیرا قیمت نفت بر درآمدهای صادراتی، انتظارات بازار و محاسبات دولت‌های تولیدکننده و مصرف‌کننده اثر می‌گذارد. مطالبه قابل دفاع از وزارت خارجه این است که درباره زمان‌بندی اظهارات حساس، ارزیابی اثرات احتمالی آنها و هماهنگی پیام‌های دیپلماتیک با منافع اقتصادی کشور توضیح دهد.

انتصابات سفر؛ شایسته سالاری یا سفارش‌های پشت پرده؟

انتقاد دیگر امضاکنندگان درخواست استیضاح، به انتخاب برخی سفرها بازمی‌گردد. در متن منتشرشده، اعلام شده است که بعضی انتصابات با معیارهای سفارش‌های پشت پرده صورت گرفته‌اند. سفارتخانه‌ها صرفاً مراکز تشریفاتی نیستند؛ آن‌ها در خط مقدم روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور قرار دارند. انتخاب سفیرانی که از توان تخصصی، شناخت کشور محل مأموریت، مهارت مذاکره و قابلیت پیگیری منافع اقتصادی برخوردار باشند، می‌تواند

برش

محورهای استیضاح:

- انجام سلسله اقدامات بدون مجوز از رهبر معظم انقلاب در عرصه سیاست خارجی که جدیدترین آن‌ها دیدار با مقامات آمریکایی در سفرا خیر به نیویورک بوده است. متأسفانه خودسری‌های وزیر خارجه در این جایگاه مهم باعث اعتراضات فراوان مردم و افکار عمومی شده و این مسئله زمینه‌ساز اخلاف در وحدت و انسجام ملت ایران شده است.
- نقض خطوط قرمز نظام در مذاکرات متعددی که تا امروز وجود داشته است باعث شده تا منافع ملی به سبب عملکرد ایشان آسیب قابل توجهی ببیند. در این باره موارد متعددی وجود دارد که در جلسه استیضاح ایشان به طور مستند و مفصل بیان خواهد شد.
- خطاهای محاسباتی متعدد و بیان مواضع گمراه‌کننده‌ای که به گفته برخی منابع امنیتی، از عوامل غافلگیری در دو جنگ ۱۲ روزه و رمضان بود و درنهایت به شهادت رهبر معظم انقلاب منجر شد.
- مصاحبه‌ها و اعلام مواضع غلط که در چند ماه گذشته با کاهش قیمت جهانی نفت منجر به تنفس برای دشمن خصوصاً دولت تروریستی آمریکا شد.
- عملکرد ضعیف در حوزه دیپلماسی اقتصادی که وزارت خارجه را به دستگاهی برای مذاکرات بی‌فایده و حتی پرضرر آن هم صرفاً با آمریکا تقلیل داده است.
- انتخاب برخی چهره‌های بی‌ربط و صرفاً سفارشی به عنوان سفیران جمهوری اسلامی ایران در برخی کشورهای جهان که حاکی از ذبح شایسته سالاری و انتخاب افراد براساس سفارش‌های پشت پرده است.
- عدم ابتکار در حوزه سیاست خارجی و اصرار بر روش قدیمی و نخ‌نمای مذاکره با آمریکا در هر شرایط به عنوان تنها راه‌حل مشکلات کشور و غفلت از ظرفیت‌های بزرگ بسیاری از کشورهای همسایه، منطقه و جهان که منجر به اجرا نشدن بسیاری از تفاهم‌نامه‌ها و اسناد امضا شده میان ایران و سایر کشورها شده است.

هرکدام را از نظر زمان‌بندی اجرا، موانع حقوقی و مالی، اقدامات انجام‌شده و نتایج حاصل‌شده مشخص سازد.

اگر توافقی به مرحله اجرا نرسیده است، باید با مأموریت‌های محوله و سازوکار ارزیابی عملکرد نمایندگی‌های سیاسی توضیح دهد. این انتقاد، پرسشی اساسی درباره کارآمدی و سایر شرکای بین‌المللی و اجرا نشدن برخی تفاهم‌نامه‌ها و اسناد امضا شده تأکید دارد.

۳۵ امضا؛ پایان ماجرا یا آغاز آزمون پاسخگویی؟

درخواست استیضاح عراقچی با امضای ۳۵ نماینده، ابعاد تازه‌ای از اختلاف برسر جهت‌گیری و عملکرد وزارت امور خارجه را آشکار کرده است. این درخواست بر مجموعه‌ای از موضوعات، از نحوه تعامل با آمریکا و رعایت خطوط قرمز تا دیپلماسی اقتصادی، انتصابات و اجرای توافقات هاترمرکز دارد.

اسامی منتشرشده امضاکنندگان عبارت‌اند از: امیرحسین ثابتی، روح‌الله ایزدخواه، محمدرضا احمدی سنکر، احمد آریایی‌نژاد، نادرقلی ابراهیمی، امیرحسین بانکی‌پور، رسول بخشی، عباس بیگدلی، ابوالقاسم جراره، حسین‌علی حاجی‌دلیگانی، حسن حسن‌ناج، علی خرابی، علی خضریان، محمدمنان رئیسی، احمد راستینه، محمد رستمی، ابراهیم رضایی، قاسم روانبخش، مصطفی طاهری، ابوالفضل ظهروند، میثم ظهوریان، علیرضا عباسی، احسان عظیمی‌راد، علی‌اکبر علیزاده، کامران غضنفری، مهدی فلاح، مهدی کوچک‌زاده، فاطمه محمدبیگی، محمدحسین محمدی، سید منتظر محمودی، محمد معتمدی‌زاده، سید محمود نویان، علی اصغر نخعی‌راد، محمدتقی نقدعلی و حامد یزدیان.

با وجود این، باید میان ثبت درخواست استیضاح، ارجاع آن به هیأت‌رئیسه و ورود رسمی آن به دستور کار مجلس تفاوت قائل شد. گزارش‌های منتشرشده تا میانه مهر ۱۴۰۵ حاکی از آن بود که درخواست در سامانه ثبت



امکان‌پذیری می‌داند. این اظهارات در شرایطی مطرح می‌شد که هم‌زمان گزارش‌هایی درباره بررسی گزینه نظامی از سوی دولت آمریکا منتشر شده بود.

پرسش انتقادی اینجاست: آیا ارزیابی مثبت از روند مذاکرات، با ارزیابی واقع‌بینانه از احتمال اقدام نظامی آمریکا همراه بود؟ آیا دستگاه دیپلماسی میان پیشرفت در گفت‌وگوهای فنی و اطمینان از پایبندی سیاسی و امنیتی طرف مقابل تفاوت کافی قائل شد؟

پیشرفت در مذاکره، تضمین‌کننده جلوگیری از جنگ نیست. ممکن است دو طرف درباره بخشی از مسائل فنی به تفاهم نزدیک شوند، اما این به معنای منتفی شدن گزینه نظامی یا کنار گذاشتن اهداف فشار از سوی طرف مقابل نیست. وظیفه دستگاه دیپلماسی آن است که در کنار پیگیری مذاکره، بدترین سناریوهای محتمل را نیز جدی بگیرد و اجازه ندهد لحن امیدوارانه مذاکرات، ضرورت هوشیاری راهبردی را به حاشیه براند.

وقتی تجربه گذشته هم مانع خوش بینی نمی‌شود

این انتقاد با مرور تجربه جنگ ژوئن ۱۲ روزه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. دور ششم مذاکرات ایران و آمریکا قرار بود اواخر خردادماه ۱۴۰۴ در مسقط برگزار شود، اما حملات اسرائیل چند روز قبل از آن آغاز شد و آمریکا نیز بعداً به حملات پیوست. عراقچی پس از آغاز حملات، در گفت‌وگو با ان‌بی‌سی اعلام کرد که آمریکا به دیپلماسی خیانت کرده و ادامه مذاکرات را به توقف حملات اسرائیل مشروط دانست.

این تجربه نشان داد که حتی در شرایطی که کانال‌های دیپلماتیک فعال‌اند و دور بعدی مذاکرات برنامه‌ریزی شده است، احتمال اقدام نظامی را نمی‌توان منتفی دانست. ازاین‌رو، پرسش نمایندگان باید فراتر از این باشد که آیا مذاکره در جریان بوده است یا خیر؛ آن‌ها باید از وزیر خارجه بخواهند توضیح دهد ارزیابی وزارتخانه از احتمال حمله چه بوده، چه هشدارهایی دریافت شده و آیا مواضع علنی درباره پیشرفت مذاکرات با سطح واقعی تهدید تناسب داشته است.

در چنین شرایطی، خوش‌بینی دیپلماتیک اگر با برآورد دقیق تهدید، سناریوهای جایگزین و تضمین‌های عملی همراه نباشد، می‌تواند به یک نقطه آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری تبدیل شود.

مسئله مذاکره نیست؛ خطای محاسبه درباره طرف مذاکره است

مدافعان رویکرد عراقچی ممکن است تأکید کنند که وزیر خارجه موظف است مسیر دیپلماسی را باز نگه دارد و اعلام پیشرفت مذاکرات نیز لزوماً به معنای اعتماد کامل به آمریکا نیست. این نکته به‌خودی‌خود درست است: مذاکره و بدبینی راهبردی الزماً متناقض نیستند.

اما دقیقاً همین‌جا معیار ارزیابی عملکرد وزیر خارجه شکل می‌گیرد. آیا او توانسته است بدون اعتماد بی‌پشتوانه به وعده‌های واشنگتن، مذاکرات را به ابزاری برای تأمین منافع ایران تبدیل کند؟ آیا در کنار اعلام پیشرفت، درباره تهدیدهای نظامی و احتمال شکست مذاکرات نیز هشدارهای روشن داده شده است؟ آیا تجربه حمله در میانه مذاکرات، تغییری قابل مشاهد در شیوه ارزیابی خود از رفتار آمریکا، کرده است؟

انتقاد اصلی امضاکنندگان استیضاح را می‌توان در همین پرسش خلاصه کرد: چرا هر بار که نشانه‌هایی از پیشرفت مذاکرات اعلام می‌شود، باید این نگرانی وجود داشته باشد که دستگاه دیپلماسی در ارزیابی نیت واقعی آمریکا، از شواهد تهدید عقب مانده است؟

وزارت خارجه برای پاسخ به این انتقاد باید مستندات ارزیابی خود از رفتار آمریکا، هشدارهای دریافتی، پیش‌بینی‌های مطرح‌شده پیش از حملات و سازوکار هماهنگی دیپلماتیک با نهادهای مسئول امنیت ملی را ارائه کند. درنهایت، کارنامه وزیر خارجه را نمی‌توان صرفاً با تعداد نشست‌ها، تماس‌ها و عبارت‌هایی مانند «پیشرفت خوب» سنجید. معیار، میزان انطباق تحلیل‌ها با واقعیت، حفظ قدرت چانه‌زنی ایران و توانایی دستگاه دیپلماسی در جلوگیری از تبدیل امید به توافق به غفلت از تهدید است.

اصرار بر مذاکره بسا بدعهد؛ چرا عراقچی از تجربه‌های گذشته درس نمی‌گیرد؟

یکی از بنیادی‌ترین انتقادها به رویکرد عباس عراقچی، اصرار بر ادامه مسیر مذاکره با آمریکا، حتی پس از نقض توافق‌ها و حمله نظامی در میانه روند دیپلماتیک است. منتقدان می‌گویند مشکل اصلی، اصل مذاکره نیست؛ مشکل، اصرار بر مذاکره با طرفی است که بارها نشان داده گفت‌وگو و توافق را مانعی برای اعمال فشار یا حتی اقدام نظامی نمی‌داند.

ادامه در صفحه ۴

دولت پزشکيان ارز ترجيحي را حذف کرده وضعیت سفره مردم بهترشده یا روزه به روز فشار وارده به مردم افزایش یافته است. کار به جایی رسیده که حداقل ها هم از سر سفره مردم حذف شده است. بنابراین عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشکيان بسیار بد بوده است.

■ مهم ترین نقاط ضعف در عملکرد همتی را چه چیزهایی می دانید؟

ما باید در بانک مرکزی آرایش جنگی بگیریم و سازمان جنگ ارزی داشته باشیم. از جناب آقای عبدالناصر همتی باید بپرسیم که چرا چنین مجموعه ای را در برابر این جنگ اقتصادی پر فشار دشمن ایجاد نکرده اند. آقای همتی چرا جلوی این شبکه های سرمایه گذاری ارز در خارج را نمی گیرد که ارز مردم را به صورت آنلاین جمع کرده و در شرکت های خارجی سرمایه گذاری می کنند. چه تضمینی وجود دارد این ارزها به کشور بازگردد. اصولاً برنامه بانک مرکزی به جز ارزپاشی و ظلا ریزی بی هدف در بازار چیست. قرار است نقدینگی جذب شده را چگونه به سمت فعالیت های مولد و توسعه دهنده کشور هدایت کنید. چرا در این مسئله که ما در شرایط جنگی هستیم و دشمن از هر روزنه ای برای آسیب برای استفاده خواهد کرد اینقدر برای برخی مسئولان مشکل شده که همه چیز را به حال خود رها کرده اند.

■ عملکرد وزیر جهاد کشاورزی را چگونه ارزیابی می کنید؟

عملکرد نوری قزلبه واقعا بد است. درباره عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در دوران او سوالات بسیاری وجود دارد. من از تمام نهادهای نظارتی و دستگاه قضایی می خواهم که به این مسئله ورود کنند. چرا که عملکرد وزارت جهاد کشاورزی دائماً در اساتی تقویت کشاورز و تولیدکننده خارجی و کوچک کردن سفره کشاورز و تولیدکننده داخلی است. به عنوان مثال ما در بودجه ۱۴۰۵ بیش از ۵۰۰ همت برای خرید تضمینی گندم در نظر گرفته بودیم اما وزارت جهاد کشاورزی به شکلی با کشاورز زحمتکش داخلی برخورد کرده که نه تنها سفره او کوچک شده بلکه کشور به واردکننده گندم تبدیل شده است. این در حالی است که براساس آمار وزارت جهاد کشاورزی میزان تولید گندم در سال جاری ۱۴۵ میلیون تن و نیاز داخل ۱۲ میلیون تن است. یعنی حدود ۲۰۵ میلیون تن هم باید در ذخایر استراتژیک کشور ذخیره می شده است. اما ما در نهایت شاهد نوعی از مدیریت از سوی وزارت جهاد هستیم که کشور به واردکننده گندم تبدیل می شود. من اعلام خطر می کنم که چنین برخوردهایی با کندکاران می تواند امنیت غذایی کشور را با خطر مواجه کند. در عرصه های دیگر نیز عملکرد وزارت جهاد کشاورزی افشاح است. وقتی تولیدکننده مرغ ما ماراد تولید دارد یا باید اجازه صادرات به او داده شود و یا اینکه ماراد تولید او خریداری و ذخیره سازی شود. دقیقاً وزارت جهاد کشاورزی با این بی برنامه گی که دارد قرار است بازار تولید مرغ کشور چه کند. آقای نوری قزلبه نمی بیند که تولیدکنندگان مرغ به فشاری تحمل می کنند و امنیت غذایی کشور در خطر قرار گرفته است. عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در این مسائل که مربوط به امروز هستند بسیار ضعیف است. وای به حال آینده که کشور ما باید از شرایطی که مجبور به واردات نهاده های دامی است به خودکفایی در این زمینه برآید و چه به شرایط اقلیمی و آماشی مرسومین دست یابد. در این موارد که اصولاً وزارتخانه هیچ برنامه ای ندارد.

■ ظاهر برخی افراد هرچانیتی هم از سوی دشمن آمریکایی رخ دهد ایران را مقصر می دانند و از موضع کثرت قاطع در برابر دشمن متجاوز به ایران فرار می کنند. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

یک جناح وادادای در کشور وجود دارد که توان ایجاد اقتدار سیاسی و اقتصادی در برابر آمریکا را ندارد. چرا که سدش زیر ساطور آمریکایی هاست. زیرا فرزند یا بستگانی در خارج از مرزها دارد و بنابراین از ایستادگی مقابل آمریکا وحشت دارد. من به این جناح واداده می گویم که اینقدر نترسید. کمی ملت مدنت شجاع ایران باشید که ۷ ماه است خیابان را رها نکرده اند. کمی مانند ملت شجاع یمن باشید که جان و مالشان را تا نثار مبارزه با زورگويان عالم کرده اند. آقایان ترسان از غرب، بدانید که چه خوشمان بیاید و چه خوشمان ننیاید در این دنیای بی قانون، تنها راه تداوم بقای ایران، قدرتمند شدن است.

■ پسر رئیس جمهور بار دیگر بروی موضع مناقشه برانگیز و وحدت شکنش در قبال ملت معبوت پافشاری کرده است. به عنوان نماینده مردم در مجلس پاسخ شما به او چیست؟

ایشان اگر خیلی نگران صرفه جویی و نصف کردن هزینه ها هستند بهتر است کمی هم به عریض و طویل بودن هیات های همراه رئیس جمهور در سفرهای خارجی و هزینه های بالای این هیات ها نگاه ی بیندارند.

■ فکری کنید آیا جنگ دیگری پیش رو داریم و دشمن آمریکایی- صهیونی برای بار سوم به کشور عزیزمان حمله خواهد کرد؟

همانگونه که رهبر شهیدمان حضرت آیت الله سید علی خامنه ای فرموده اند: دشمن آمریکایی به دنبال بلعیدن ایران است. یعنی چشم طمع به آب، خاک، منابع و ذخایر ایران دارد. حتی برای غارت بهتر در دهشت به تجزیه ایران نیز می اندیشد. بنابراین ممکن است هر اتفاقی پیش روی ما باشد. البته نه چه داشته باشید که به واسطه غیرت و شجاعت ملت معبوت و نیروهای مسلح، در دو جنگ ۱۲ روزه و رمضان موفق به شکست دشمن شدیم. اما نباید از برخی پالس ضعف هایی که در داخل به بیرون داده می شود غافل شویم. متأسفانه برخی اظهارنظرهای مسئولان، پالس ضعف به دشمن می دهد. برخی بی توجهی ها نسبت به ناسپامانی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دشمن را امیدوار می کند. در نهایت هم دشمن دل به نارضایتی های داخلی و اختلاف ما دوخته است. یعنی آنچه می تواند جلوی حمله سوم دشمن به سرزمین مقدس ایران را بگیرد؛ میزان رضایتمندی ملت از عملکرد مسئولان اجرایی و اتحاد مردم و مسئولان است. از برخی عزیزان داری تریبون خواهش می کنم که دست از آو تناله بردارند و اینقدر پالس عصف نفرستند. مطمئن باشید اگر فرصت خدمت را به خوبی دریابید و کار کنید؛ ملت معبوت نیز در همه میدان شما راباری خواهد کرد.



نادرقلی ابراهیمی، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت وگو با چارشوق:

باتورم این چند ماه کالابرگ باید ۴ تا ۵ میلیون شود

■ دولت، آرایش جنگی مناسب برای جنگ اقتصادی ندارد ■ فقط ۲۰ تا ۲۵ درصد گرانی ها به خاطر جنگ است ■ سیاست اقتصادی دولت پزشکيان لیبرالی است ■ مجلس دیگر در برابر اقدامات تیم اقتصادی دولت سکوت نمی کند ■ تیم و برنامه اقتصادی دولت پزشکيان باید تغییر کند ■ برخی مسئولان فقط به دنبال منافع یک قشر رانت خوار ۲ تا ۳ هزار نفری هستند ■ در دولت پزشکيان ۱۰۰ چای دیش رخ داده اما برخوردی نمی شود ■ سیستم حکمرانی اقتصادی دولت معلول است ■ برخی مسئولان در نقش پیاده نظام جنگ اقتصادی ترامپ ظاهر می شوند ■ افزایش نرخ ارز در راستای خواست ترامپ است ■ همتی باید درباره ارزپاشی ۲ میلیارد دلاری در بازار توضیح شفاف بدهد ■ نفت ۵۴ دلاری پیش بینی شده در بودجه را بالای ۱۰۰ دلار می فروشیم ■ وضعیت صادرات نفتی و غیرنفتی کشور عالی است ■ ارز صادراتی را با روش های نوین به کشور بازمی گردانیم

گفت وگو

🗣 برای بررسی دقیق تر شرایط کشور و چرایی مشکلات اقتصادی به گفت وگو با «نادرقلی ابراهیمی»، نماینده مجلس شورای اسلامی پرداخته ایم:

■ آیا اکنون که دولت مردان ادعا می کنند مشکلات اقتصادی و گرانی های اخیر به دلیل شرایط جنگی است؟ اصولاً منتقدید دولت چهاردهم آرایش جنگی لازم در برابر جنگ اقتصادی دشمن را دارد؟

ما ۴۷ سال است که درگیر جنگ و تحریم هستیم و هیچ کدام از این موارد برای ما جدید نیست. بنابراین جنگ یا تحریم نباید برای عده ای از مسئولان به بهانه ای برای توجیه کاستی ها و ضعف ها تبدیل شود. در این شرایط جنگ اقتصادی، تمامی حاکمیت از جمله دولت باید آرایش جنگی مناسب به خود بگیرند. الان دقیقاً آرایش جنگی دولت در قبال کنترل گرانی ها کاجاست. آرایش جنگی دولت در برابر رشد و حشتناک نقدینگی به چه شکل است. آرایش جنگی قوه قضائیه در برابر مفسدین ایجاد می و اقتصادی را رست راست در کشور می چرخند و به ریش ملت می خندند چرا زمانی قرار است مشاهده کنیم. ملت معبوت که محکم پای کار کشور و انقلاب ایستاده اند از مسئولان، توقع جدیت بیشتر و اهتمام حداکثری دارند. براساس بررسی های صورت گرفته، جنگ و شرایط جنگی نهایتاً ۲۵ تا ۳۰ درصد گرانی ها مؤثر بوده است. اما خدا وکلی باقی این گرانی سازی هایی که صورت می گیرد را نباید بر گردن جنگ و شرایط جنگی بیندازیم. مردم فداکار ایران به شدت از گرانی ها در فشارند اما متأسفانه ما ز سیاست های اقتصادی دولت اینگونه استنباط می کنیم که لیبرالی و منطق بر بازار آزاد است. سؤال ما از جناب آقای پزشکيان این است که مگر در شرایط جنگی می توان سیاست های اقتصادی بازار آزاد منطق بر سازوکار عرضه و تقاضا را در کشور اجرایی کرد. چرا سیاست های اقتصادی دولت پزشکيان اینقدر لیبرالی است. چرا بانک مرکزی هر روز دارد نرخ ارز مرکز مبادله را بالا می برد و به ارز آزاد هم چراغ سبز جهت رشد نشان می دهد. واقعاً ما در حال حرکت به چه سمت و سویی هستیم. من معتقدم عده ای عا مدانه، در راستای موفقیت دشمن در جنگ اقتصادی حرکت و فتنه اقتصادی می کنند تا تاب آوری مردم را بشکنند. مطمئن باشید که مجلس دیگر اجازه تداوم این روند را نخواهد داد و ما از آقای پزشکيان خواسته ایم که هرچه سریع تر درباره تیم و برنامه اقتصادی اش بازنگری کند.

■ شما مدعی هستید که نمایندگان مجلس از دولت آقای پزشکيان خواسته اند درباره تیم و برنامه اقتصادی شان بازنگری کنند. اتفاقاً یکی از انتقادات مردم به عملکرد مجلس این است که به نظری می رسد نمایندگان در برابر اتفاقات جاری کشور دچار نوعی رخت و سستی شده اند و خیلی با دولت ممناشات می کنند. به عنوان مثال، در دولت شهید رئیسی برای یک دهه چین اشتباهاتی که در حال رخ دادن است وزیرا به مجلس احضار و استیضاح می شدند اما الان خبری از استیضاح نیست. لطفاً شفاف بگویید در مجلس چه خبر است؟

مردم در جریان باشند که نمایندگان مجلس تاکنون دورتمه تر طرح هایی برای ایجاد ثبات در بازار ارز و بهبود ارزش پول ملی کشور تهیه و ارائه داده اند. متأسفم بگویم که همراهی لازم با ما وجود ندارد واصلأ در سیستم مجلس این طرح ها اعلام وصول نمی شود. سؤال خود من هم از برخی همکارانم این است که مگر ما نمی خواهیم مشکل مردم را حل کنیم. مگر ما نمایندگان مجلس خادم مردم نیستیم. چرا برای حل مشکلات مردم کاری نمی کنیم. ما که نباید فقط به فکر حل مشکلات یک قشر خاص ۳ تا ۵ هزار نفری باشیم که تمامی شریان های اقتصادی مملکت را در اختیار گرفته اند. ایران ۹۰ میلیون نفری باید محور تلاش های ما باشد. مردم مطمئن باشند

که ما تلاش فراوانی در مجلس می کنیم تا روند های غلط اصلاح شود. حتی به چند وزیر تاکنون کارت زرد داده ایم و شک نکنید که اگر عملکردهای غلط تیم اقتصادی دولت پزشکيان اصلاح نشود؛ به زودی مجلس وارد فاز برخورد های جدی تر با وزرا خواهد شد. البته بخشی از انتقاد مردم به عملکرد مجلس و سایر دستگاه های نظارتی را وارد می دانم. چرا که اگر در دولت شهید رئیسی یک جای دیش کشف شد و آقایان دولت ایشان را بیچاره کردند؛ الان ۱۰۰ جای دیش هست و اکنون که لازم است برخوردی صورت نمی گیرد. ملت معبوت پس از ۷ ماه مجاهدت کف میادین و خیابان ها، انتظار تغییر و تحول اساسی و برخورد با مفاسد و کم کاری ها دارند و دیگر هیچ توجیهی را از ما نخواهند پذیرفت.

■ هدف دولت پزشکيان از حذف ارز ترجیحی در دی ماه ۱۴۰۴ چه بود و آیا این هدف محقق شده است؟ دولت مدعی بود که با یکسان سازی نرخ ارز به دنبال حذف رانت و بهبود شرایط معیشت مردم است. دولتی ها مدعی بودند که ارز ترجیحی به هدف که همان سفره های مردم است برخورد نمی کند. اما این روزها به عیان می بینیم که ظاهرآ تحلیل دولت مردان اشتباه بوده است. متأسفانه آنچه دولت پزشکيان در دی ماه ۱۴۰۴ انجام داد

بلایی که بر سر اقتصاد ایران آورد یک شوک درمانی ارزی تمام عیار بود. در حالی که براساس قانون برنامه هفتم توسعه، دولت موظف بود نرخ ارز ترجیحی را طی ۵ سال و به تدریج حذف کند؛ دولت پزشکيان در همان سال دوم برنامه هفتم توسعه به یکباره ارز ترجیحی را حذف و کشور را به این اوضاع دچار کرد که قیمت ها لحظه ای بالا می رود. ما دولت چهاردهم سوالات بسیاری داریم. آقایان مسئول باید پاسخ بدهند که چرا برخلاف وعده آن ها نرخ ارز را بازار آزاد با حذف ارز ترجیحی کاهش نیافت و به نرخ مرکز مبادله نزدیک نشد. الان دقیقاً شرایط طوری شده که کاملاً برعکس است. یعنی بانک مرکزی هر چه قدر هم روزانه نرخ ارز مرکز مبادله را بالا می برد باز هم به نرخ بازار آزادی نمی رسد و نرخ بازار آزاد دائماً افزایشی و در حال فرار است. بنابراین دولت نه تنها نتوانست نرخ ارز آزاد را با حذف ارز ترجیحی کاهش دهد بلکه در عمل یکسان سازی نرخ ارز هم رخ نداده است. یعنی دولت کاملاً در بحث یکسان سازی نرخ ارز شکست خورده است. به بیان دیگر، دولت در حذف رانت ارزی هم مغلوب شده است. چرا که بالاخره فاصله ای که میان نرخ ارز مرکز مبادله و بازار آزاد وجود دارد نیز نوعی رانت است. بنابراین دولت به هیچ کدام از اهدافی که داشت نرسیده و ناموفق بوده است.

■ آیا دولت برنامه ای برای مهار تورم و گرانی دارد؟ اصولاً عملکرد تیم اقتصادی دولت را چگونه ارزیابی می کنید؟

سال گذشته با ماهیانه یک میلیون تومان کالابرگ به ازای هر شخص می شد روزانه ۲ هزار و ۲۰۰ کالری مورد نیاز او را تأمین کرد. حالا به دلیل تورمی که ایجاد شده برای تأمین این میزان کالری روزانه بر سر سفره مردم، ماهانه ۵ تا ۵۰ میلیون تومان لازم است. این نمونه ای از بلایی است که دولت بر سر سفره مردم آورده است. الان دقیقاً برنامه دولت پزشکيان برای مهار تورم افسارگسیخته چیست. نه تنها مردم بلکه ما نمایندگان مجلس هم تاکنون هیچ برنامه ای از آقای پزشکيان و مدیران دولت ایشان مشاهده نکرده ایم. افزایش ۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومانی کالابرگ هم هیچ تأثیری بر بهبود شرایط معیشتی مردم نخواهد داشت. من نمی دانم چرا دولت به وعده اش مبنی بر دادن برابن مبلغ کالابرگ متناصب با تورم عمل نمی کند. قانون که در این زمینه مشخص بوده و مجلس هم که آماده همراهی با دولت در این راستاست. در مجموع معتقدم دولت دچار بی برنامه گی شده و برنامه ای برای ارائه جهت بهبود شرایط فعلی اقتصادی و معیشتی جامعه ندارد. نتیجه عملکرد هزار تومانی کالابرگ هم هیچ تأثیری بر

بانک مرکزی باید درباره این ۲ میلیارد دلار ارزی که در حال فروش آن در بازار هستند توضیح شفاف ارائه کنند. همچنین باید پاسخ بدهند در شرایط که مدعی محدودیت منابع ارزی کشور در شرایط جنگ اقتصادی هستند؛ چگونه خودرو های لوکس در حال واردات به کشور است. آقایان همتی و مدنی زاده بهانه بیاورند که با ارزپاشی و فروش سکه می خواهند نقدینگی سرگردان بازار را جمع کنند. بلکه توضیح بدهند که براساس تکلیف قانونی شان تاکنون چه مقدار از منابع سرگردان را به سمت فعالیت های مولد هدایت کرده اند. قطعاً عملکرد تیم اقتصادی دولت پزشکيان بسیار ضعیف بوده و این برای ما ننگ است که عملکرد برخی مجموعه های دولتی در راستای تحقق هدف گذاری های ترامپ در بحث نرخ ارز و تورم است.

■ وضعیت درآمد های ارزی دولت در شرایط جنگ اقتصادی به چه شکل است؟ آیا اکنون که دولت مردان مدعی اند گرانی ارز ناشی از کاهش درآمد های ارزی در شرایط جنگی است؟

ما نمایندگان مجلس شورای اسلامی اطلاعات موثقی داریم که بحمدالله صادرات نفتی و غیرنفتی کشور وضعیت بسیار خوبی دارد

و ارز حاصل از صادرات هم با روش های نوین و غیر قابل رصد برای دشمن در حال بازگشت به داخل کشور است. همچنین براساس آمار رسمی بانک مرکزی، ۱۰۰ درصد درآمد ارزی فروش نفت کشور

اخبار



تریبون اقتدار ایران وقتی مواضع قاطع سرلشگر رضایی خواب خوش نفتی آمریکا را آشفته می کند

🗣 در روزگاری که برخی جریان های سیاسی خصوصاً تیم دولت پزشکيان، نسخه نجات اقتصاد کشور را در رضایت و اشنیکتن و باز نگه داشتن در مذاکره با آمریکایی می دانند که بارها بدعهدی خود را ثابت کرده است، ایستادگی صریح در برابر زیاده خواهی های کاخ سفید، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. مواضع محکم سرلشگر محسن رضایی در برابر آمریکا، از همین منظر شایسته توجه و تقدیر است؛ مواضعی که به جای ارسال پیام تردید و عقب نشینی، بر قدرت ایران، حقوق ملت و هزینه دار بودن ماجراجویی های دشمن تأکید می کند.

تجربه ۳ سال اخیر در دولت پزشکيان نشان داده است که واشنگتن از هر نشانه ای از اختلاف داخلی، تردید در اراده ملی و اشتیاق یک طرفه به توافق، برای افزایش فشار بر ایران بهره می برد. در چنین شرایطی، آنچه می تواند محاسبات دشمن را برهم بزند، نه امید بستن به وعده های آمریکایی ها، بلکه نمایش اراده، اقتدار و آمادگی برای دفاع از منافع ملی است.

از این رو، مواضع صریح سرلشگر محسن رضایی را باید در نقطه مقابل رویکردی ارزیابی کرد که گاه به خوش بینی مغرط به مذاکره، از پیش برای طرف مقابل امتیاز روانی فراهم می کند. پیام روشن این مواضع آن است که جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از منافع خود منتظر اجازه آمریکا نمی ماند و قرار نیست تهدید و فشار، جای اراده ملی را بگیرد.

دبلماسی اقتدار؛ از میدان سیاست تا بازار نفت

یکی از ابعاد قابل توجه مواضع سرلشگر رضایی، توجه به پیوند میان تحولات سیاسی و معادلات بازار جهانی انرژی است. بازار نفت صرفاً به میزان تولید و عرضه و اکشن نشان نمی دهد؛ ریسک های ژئوپلیتیک، احتمال اختلال در مسیرهای انتقال انرژی و ارزیابی معامله گران از آینده تنش ها نیز بر قیمت ها اثر می گذارند. تنگه هرمز، به عنوان یکی از مهم ترین گذرگاه های انرژی جهان، در این معادله جایگاهی ویژه دارد. هرگاه احتمال اختلال در عبور نفتکش ها افزایش یابد، بازار جهانی با نگرانی درباره عرضه مواجه می شود و همین نگرانی می تواند به افزایش قیمت ها منجر شود. گزارش های اخیر بازار نفت نیز از تداوم اثرگذاری تنش های منطقه ای و مخاطرات حمل و نقل دریایی بر قیمت ها حکایت دارد.

در چنین فضایی، اگر مواضع محکم و هشدارهای مستند پیش از آغاز معاملات هفتگی یا بازگشایی بازارهای جهانی منتشر شوند، می توانند در شکل گیری انتظارات معامله گران نقش داشته باشند. از این منظر، زمان بندی اطلاع رسانی سیاسی نیز می تواند بخشی از محاسبات راهبردی باشد؛ هرچند برای اثبات اینکه یک اظهار نظر مشخص باعث افزایش قیمت نفت شده است، باید واکنش بازار در همان بازه زمانی و سایر عوامل مؤثر بر قیمت بررسی شود.

نکته مهم آن است که آمریکا خود از تحولات بازار انرژی مصون نیست. افزایش بهای نفت خام می تواند هزینه سوخت و حمل و نقل را بالا ببرد و فشار اقتصادی بر مصرف کنندگان آمریکایی را تشدید کند. بنابراین، واشنگتن نمی تواند بدون در نظر گرفتن پیامدهای اقتصادی تنش آفرینی در منطقه، صرفاً از موضع قدرت نظامی به تحولات خلیج فارس نگاه کند.

هفت شرط ایران؛ پیام روشن به واشنگتن

مواضع اخیر سرلشگر رضایی درباره شروط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز و پاسخ ناکافی آمریکا نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. خبرگزاری رویترز در گزارش ۱۱ اکتبر ۲۰۲۴ نوشت که رضایی پاسخ آمریکا به پیشنهاد ایران را ناکافی دانسته و تهران اعلام کرده است تا روشن شدن وضعیت شروط خود، پاسخ گویی بیشتر را متوقف می کند. این موضع، دست کم در سطح اعلامی، بر این اصل تأکید دارد که تعیین تکلیف مسائل راهبردی نباید یک طرفه و بر اساس خواست واشنگتن باشد. پیام چنین رویکردی روشن است: ایران نباید برای جلب رضایت آمریکا، از اهرم های راهبردی خود چشم پوشی کند. هر مذاکره ای باید متکی بر منافع متقابل، تعهدات روشن و تضمین های قابل ارزیابی باشد؛ نه بر خوش بینی به وعده هایی که سابقه اجرای آنها محل مناقشه است.

تفاوت اقتدار با امتیازدهی یک طرفه

نقد رویکرد های خوش بینانه به آمریکا، به معنای نفی هرگونه مذاکره نیست؛ مسئله اصلی، جایگاه قدرت ملی در هر مذاکره است. گفت وگو هنگامی می تواند در خدمت منافع کشور قرار گیرد که طرف مقابل بداند فشار و تهدید، امتیاز بیشتری نصیبش نمی کند و ایران نیز برای رسیدن به توافق، از حقوق خود عقب نشینی نخواهد کرد.

در این میان، مواضع قاطع مسئولان می تواند مکمل قدرت دفاعی، ظرفیت اقتصادی و ابزارهای راهبردی کشور باشد. البته اثرگذاری واقعی این مواضع به هماهنگی در سیاست خارجی، ثبات تصمیم گیری و پشتیبانی عملی از سخنان اعلام شده وابسته است. ایستادن بر مواضع اصولی و یادآوری هزینه های زیاده خواهی آمریکا، در شرایطی که کشور با فشارهای گوناگون روبه روست، رویکردی قابل تقدیر است. آنچه باید از این مواضع به یک قاعده در سیاست ورزی کشور تبدیل شود، این است که نه سرنوشت اقتصاد ایران به لیخند و اشنیکتن گره بخورد و نه اهرم های قدرت ملی در پای وعده های بی ضمانت قربانی شود.

ایران برای دفاع از حقوق خود به سیاسی نیاز دارد که در آن، مذاکره ابزار تأمین منافع ملی باشد، نه هدفی مقدس و مستقل از نتیجه؛ و بازار نفت نیز نه با دادهای اثبات نشده درباره اثرگذاری سخنان سیاسی، بلکه با محاسبه دقیق عرضه، تقاضا، ریسک های منطقه ای و واکنش واقعی معامله گران تحلیل شود.

آمریکا مذاکره را تضمین صلح نمی‌داند؛ چرا؟
آن را تضمین بدین‌گونه؟

در منطق سیاست خارجی آمریکا، مذاکره می‌تواند در کنار تحریم، تهدید نظامی و فشار سیاسی به کار گرفته شود. بنابراین، صرف حضور نمایندگان دو کشور در پای میز مذاکره، نشانگر تغییر ماهیت طرف مقابل نیست. آنچه اهمیتی دارد، رفتار عملی، تعهدات قابل‌راستی‌آزمایی و وجود تضمین‌های معتبر برای جلوگیری از تکرار بدعهدی است.

انتقاد نقدانی از عراقچی این است که چرا در مواضع عملی خود، به‌راهربار امکان پیش‌فرض مذاکرات و دستیابی به نتایج تأکید شده، او...